

Analyzing the Role of Waqf as an Islamic Teaching on Education and Social Health

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Sabah Mohammadi¹

Farajollah Barati^{2*}

Seyyed Hesamodin Hosseini³

How to cite this article

Sabah Mohammadi, Farajollah Barati, Seyyed Hesamodin Hosseini, Analyzing the Role of Waqf as an Islamic Teaching on Education and Social Health, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:6(1): 219-227.

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Farajollah.barati@yahoo.com

Article History

Received: 2021/12/16

Accepted: 2022/03/09

Published: 2022/06/21

ABSTRACT

One of the most important issues that has been emphasized in Islam is the issue of endowment of Muslim property, for which many worldly and otherworldly fruits have been enumerated. Given the breadth of the discussion on endowments and endowment property, a series of conditions along the way, this is a God-pleasing act that creates themes such as endowment conditions, endowment property conditions, buying and selling endowment property and other items in this regard. The study examines the prosperity of the endowment in the direction of educational and religious affairs from the perspective of the Qur'an and Hadith. Undoubtedly, familiarity with the benefits and advantages of endowment leads many people to this good spring, which is one of the main goals of this article. Endowments in various fields bring pleasure to God Almighty. It causes blessings in this world and increases the baggage of the Hereafter. Undoubtedly, the endowment of property for the use of institutions, scientific centers and seminaries has a significant role and impact in the promotion of educational affairs and religious sciences. On the other hand, the prosperity of the endowment can be fruitful in reducing poverty and promoting the health of society and the Islamic lifestyle of individuals. The research method was descriptive and the research data collection method was library and taking notes and statistics were the most important related topics.

Keywords: Education, Hadith, Prosperity, Religion, Endowment, Quran, Health.

تحلیل و بررسی نقش وقف به عنوان آموزه ای اسلامی بر تربیت و سلامت اجتماعی

صباح محمدی^۱

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهورا، دانشگاه آزاد اسلامی، اهورا، ایران.

فرج الله براتی^{۲*}

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهورا، دانشگاه آزاد اسلامی، اهورا، ایران. (نویسنده مسئول)

سید حسام الدین حسینی^۳

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد اهورا، دانشگاه آزاد اسلامی، اهورا، ایران.

چکیده

یکی از مهمترین مسائلی که در اسلام به آن بسیار تاکید شده، موضوع وقف اموال مسلمین بوده که ثمرات دنیوی و اخروی بسیاری برای آن برشمرده شده. با توجه به گستردگی بحث وقف و اموال موقوفه، سلسله شریاطی در راه، این عمل خداپسندانه مطرح بوده که مضامینی نظیر شریاط واقف، شریاط اموال موقوفه، خرید و فروش مال وقف و سایر موارد در این رابطه را بوجود می‌آورد، به همین منظور، این پژوهش به بررسی رونق وقف در جهت امور تربیتی و دینی از منظر قرآن و حدیث می‌پردازد بدان ضرورت که نقش تاثیرگذار وقف مورد غفلت واقع شده و نسبت به گذشته کمتر به این امر خطیر اهتمام می‌شود. بی شک آشنایی با مزایا و محاسن وقف افراد بسیاری را به این چشمه حسنه سوق می‌دهد که این امر یکی از اهداف اصلی این نوشتار است. موقوفات در زمینه های مختلف موجب خشنودی خداوند متعال می‌گردد. باعث برکت در مال دنیا و فزونی توشه آخرت می‌شود. بی تردید وقف اموال در جهت مصارف مؤسسات و مراکز علمی و حوزه های علمیه نقش و تاثیر بسزایی در ارتقای امور تربیتی و علوم دینی می‌گردد. از طرفی رونق وقف می‌تواند در کاهش فقر و ارتقای سلامت جامعه و سبک زندگی اسلامی افراد مثر و ثمر واقع شود. روش انجام پژوهش، توصیفی و روش گردآوری اطلاعات تحقیق به صورت کتابخانه ای و فیش برداری و آماری از اهم مطالب مرتبط بوده است.

کلیدواژه ها: تربیت، حدیث، رونق، دین، وقف، قرآن، سلامت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

* نویسنده مسئول: Farajollah.barati@yahoo.com

مقدمه

بی گمان، یکی از مهمترین عناصر اساسی در دین مبین اسلام و مهمترین رهیافت های مد نظر در قرآن کریم اقدام به امور خداپسندانه و عام المنفعه توسط مسلمین، به منظور افزایش اخوت و برادری در بین مسلمین و کاهش زمینه فقر و افزایش سطح نسبی رفاه امت اسلامی بوده است. در دین مقدس اسلام، تمرکز ثروت نبی گردیده و توصیه شده است که در راستای تحقق عدالت اسلامی، هم دولت اسلامی و هم افراد متمکن اقدام به اعطای بخشی از دارایی های خود به صورت خمس، صدقه، وقف و... بنمایند.

وقف در لغت به معنای «ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است». (۱) برخی از فقها می‌گویند «وقف حبس عین است بر ملک خدای تعالی و عبارتی دیگر «وقف» را «حبس عین مال و آزاد ساختن منافع آن» گفته‌اند. (۲)

لذا در فقه اسلامی وقف را به «حبس معین مال و صدقه دادن منافع» تعبیر کرده‌اند که در این صورت خالی از اشکال نخواهد بود. (۳) و در اصطلاح فقهی، به معنای «نگهداشتن و حبس کردن عین ملک است و مصرف کردن منافع آن در راه خدا» (۴).

نیز فقها در بیان تعریف اصطلاحی وقف که از نظر شرعی کلمه‌ی وقف چه مفهومی دارد اختلاف نظر دارند، منشأ اختلاف آن است که برخی آن را لازم و برخی جایز می‌دانند و عده‌ای قصد قربت را شرط تحقق وقف می‌دانند. ولی عده‌ی دیگری چنین عقیده‌ای ندارند، و غیر این‌ها. این نوع اختلافات موجب شده است که در تعریف آن با تعاریف گوناگون مواجه شویم. لازم به ذکر است که در فرهنگ اسلامی از وقف به «صدقه جاریه» نیز تعبیر می‌شود.

در واقع، نهاد وقف یکی از نهادهای اقتصادی است که با اهداف خیرخواهانه از آغاز زندگی اجتماعی، با او همراه بوده است. افراد در جوامع مختلف و در زمان های متفاوت سود و منفعت اموال خود را به صورت وقف در اختیار همگان قرار می‌دادند و این امر سبب می‌شد تا در تمامی از منته از واقفان به نیکی یاد شود. علاوه بر این در اسلام، نه تنها محسنات و ارزش معنوی اقدام به امور خیریه برشمرده شده، بلکه ترتب و چهارچوب انجام امور خیریه به خوبی محرز و مشخص شده است.

ناگفته پیداست که فرهنگ‌سازی از مهمترین موضوعات وقف است که باید سعی شود به شکلی صحیح به جامعه تفهیم شود که وقف چه آثار و پیامدهایی دارد و به لحاظ شرعی و قانونی تا چه اندازه می‌توان از آن بهره مند شد. در موضوع وقف باید مدیریت کلانی عرضه شود تا جامعه از بهره‌های اقتصادی آن بهره مند شود و بتواند به نحو مطلوب از این دارایی ارزشمند در جهت ارتقاء سطوح مختلف جامعه به خصوص مباحث علمی و تربیتی بکار گرفته شود.

درباره وقف و مسائل مربوط به آن تحقیقات متعدد و گسترده ای از دیرباز تاکنون انجام شده که می‌توان به پاره ای از آنها اشاره نمود: شیخ مفید (۳۱۴ هـ ق) می‌نویسد: «هرگاه واقف در وقف شرط کند، چنانچه در زمان حیاتش بر اثر فقر نیازمند به وقف شد، جایز است آن را بفروشد و قیمت آن را در مصالحش صرف کند.» (۵)

۱. سید مرتضی (۶۳۴ هـ ق) می‌نویسد: و از جمله اقوالی که امامیه در آن منفرد (تنها) است عبارت است از این نظر که اگر واقف به هنگام

بسیاری از علمای قدیم به نام شغلشان مشهور شده‌اند بعدها و خصوصاً در دوره‌های متاخر، مخارج حوزه‌ها غالباً با وجوه شرعی که مردم به مراجع تقلید می‌پرداخته‌اند، تامین می‌شد همچنین برخی خیرین موقوفاتی جهت اداره مدارس دینی وقف کرده‌اند در برخی از دوره‌ها نیز بخشی از هزینه‌ها توسط حکومت‌ها تامین شده است. در سال‌های اخیر، در کشور ایران، ردیف بودجه دولتی مستقل به حوزه‌های علمیه اختصاص داده شده که بخشی از مخارج حوزه علمیه شیعه در ایران را تامین می‌کند (۱۰).

یکی از برکات ارزشمند وقف در طول تاریخ تقویت و پشتیبانی از حوزه‌های علمیه بوده است، این سنت ارزشمند دینی با تبلیغ و ترویج صحیح احکام و مبانی آن از سوی علما و روحانیان در طول تاریخ یک پشتوانه مناسب و مطمئنی برای حوزه‌های علمیه بوده است. علمای بزرگ حوزه همواره بر طبل استقلال مالی حوزه‌های علمیه از دولت‌ها و حاکمیت‌ها کوبیده و آن را سبب «مفتوح اللسان» بودن این مراکز علمی و دینی در مناسبات مختلف و در نقد حاکمیت‌ها قلمداد می‌کردند. اما نقطه قوت مباحث علمای سلف، اتکا به وجود موقوفات فراوان برای مدیریت مالی حوزه‌های علمیه بود؛ نمونه بارز آن همان داستان معروفی است که سفیر انگلیس برای جلب نظر مرحوم شیخ انصاری در نجف خدمت ایشان شرفیاب شده و مبلغ بسیار بالایی از سوی انگلیس برای کمک به شیعیان عراق به ایشان پیشنهاد می‌کند. آن عالم بزرگوار با نگاه نافذ سیاسی و آگاهی از توطئه آن‌ها می‌فرماید: عین همین مبلغ را نیز بنده به شما می‌دهم که بگذارید روی همین پول و عراق را آباد کنید و...

بر کسی پوشیده نیست که حوزه‌های علمیه امروز داعیه‌دار انقلابی جهانی هستند که لازمه آن نگاه تسلط‌گرایانه بر تمام حکومت‌ها است و چه کسی است که نداند هیچ‌گاه «تسلط» با «نیاز» یک جا قابل جمع نبوده و به قول طلاب «التقیضان لا یجتمعان». هر چند بنا به گفته مسئولان امر کل بودجه‌ای که به حوزه علمیه اختصاص یافته نهایتاً نیم درصد کل بودجه کشور است؛ یعنی مبلغی بسیار ناچیز (۱۱)

با تمامی این توضیحات باید پرسید چاره امر چیست؟ حوزه‌های علمیه چگونه و از چه راهی باید استقلال مالی خود را حفظ نمایند؟ برای پاسخ به این پرسش باید نیم‌نگاهی به مدیریت حوزه‌های علمیه در دوران نه‌چندان قدیم داشته باشیم؛ دورانی که حوزه‌ها از طریق موقوفات اداره می‌شدند. حوزه‌های علمیه امروز نیز باید به این سمت حرکت کنند و با استفاده از موقوفات، خود را از زیر بار این گزافه‌گویی‌ها برهانند. هر چند امروز اکثریت موقوفات حوزه‌های علمیه از سوی برخی‌ها تصاحب شده و دیگر در اختیار حوزه‌ها نیست؛ که در این مورد علما باید اعتراض کنند و وارد عمل شوند تا با احیای مجدد موقوفات، ادامه‌ی مسیر توأم با عزت برای حوزه‌های علمیه مهیا گردد.

با نگاهی گذرا به سیما و بافت کالبدی شهرهای ایران بسیاری از عناصر و اجزای شهری را که نقش عمده‌ای در عملکرد و حیات زندگی شهری دارند، می‌توان مشاهده نمود که عنصر وقف در آنها نقشی به سزا داشته است. بسیاری از تاسیسات زیربنایی و روبنایی در

وقف شرط کند، هرگاه نیاز به وقف پیدا کند بتواند آن را بفروشد، جایز است فروش و نفع بردن از قیمت آن. (۶)

۲. شیخ طوسی (۶۴ هـ ق) می‌نویسد: هرگاه واقف شرط کند چنانچه به چیزی از وقف نیاز پیدا کرد، جایز باشد فروش و تصرف در آن، این شرط صحیح است و می‌تواند آن را بفروشد و اگر واقف بمیرد و نیازمند بدان باشد، این وقف، میراث است و وقف نخواهد بود. شیخ در مبسوط می‌فرماید: اگر واقف شرط کند که به هنگام نیاز بتواند آن را بفروشد این شرط، باطل است زیرا مخالف مقتضای عقد است. (۷)

۳. ابن ادریس (۸۹۵ هـ ق) پس از نقل عبارت شیخ طوسی می‌نویسد: اگر وقف صحیح باشد، پس از مرگ واقف، میراث نخواهد بود و پس از مرگ واقف وقف برقرار است.

۴. حلی (۶۷۶ هـ ق) می‌نویسد: اگر واقف شرط کند برگشت وقف را به خودش به هنگام نیازمندی، شرط صحیح است و لیکن وقف باطل خواهد بود و حبس می‌شود و به هنگام حاجت به مالک برمی‌گردد و اگر مالک مرد به ارث می‌رسد. (۸)

۵. علامه حلی (۶۲۷ هـ ق) می‌نویسد: اگر واقف شرط کند به هنگام متضرر شدن وقف مانند زمانی که خراج (مالیات) زیاد پرداخته شود، در صحت شرط اشکال است و بر فرض بطلان شرط، در باطل شدن وقف نیز نظر است. (۹)

لذا این مقاله جهت آشنایی بیشتر با اهداف امر خطیر وقف نگاشته شده بدان ضرورت که گاهی آثار مثبت امور موقوفه مورد غفلت واقع می‌شود لذا شایسته و بایسته است که جایگاه آن در اسلام تبیین شده و مزیت رونق وقف در ابعاد مختلف بر همگان روشن گردد. لذا این نوشتار در سه محور به بررسی این موضوع می‌پردازد: ۱- وقف در آموزه‌های قرآن کریم ۲- وقف در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام ۳- رونق وقف در پیشبرد اهداف تربیتی و دینی.

ماهیت وقف

تنظیم اموال و دارایی بر مبنای اراده‌ای درست و صحیح از مبانی مهم دینی و الهی است، یکی از جنبه‌های مهم اسلام در مسئله اموال و دارایی‌ها مسئله انفاق بوده که مفهومی اخلاقی و عبادی است. وقف یا حبس موبد، عقدی غیر معوضی است که شروط احکام و مقرراتی در قانون برای تحقق و قطعیت و ایجاد و لزوم آن در نظر گرفته شده و نیز قانونگذار برای واقف امتیازاتی در خصوص نصب و تعیین متولی و اداره کننده مال موقوفه در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۵۶ قانون مدنی، «وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه اول از موقوف علیهم یا قائم‌مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند، مثل وقف بر اولاد؛ و اگر موقوف علیهم غیر محصور بوده یا وقف بر مصالح عامه باشد، در این صورت قبول حاکم، شرط است.»

حوزه علمیه، نهاد مذهبی-آموزشی شیعیان برای آموزش و تربیت طلاب علوم دینی است. این مراکز از دوره بعد از امامان شیعه و در طول زمان ایجاد و گسترش یافته است. قم، بغداد، نجف، حله، اصفهان از مهم‌ترین حوزه‌های علمیه شیعیان بوده است.

از محتوای منابع قدیم درباره نظام مالی و اداری حوزه‌ها، چنان برمی‌آید که معیشت عموماً از طریق کسب و کار تامین می‌شد.

مجموعه‌های زیستی بدون اینکه حکومت‌ها وظیفه‌ای در ایجاد آنها احساس کنند توسط مردم ساخته می‌شدند.

البته در مواردی دولتمردان نیز در احداث این گونه مجموعه‌های وقفی نقش ارجمندی در طول تاریخ ایران اسلامی داشته‌اند. وقف علاوه بر اینکه از نظر اجتماعی و اقتصادی دارای کارکردهای فراوان و مهمی در زندگی روزانه و فعالیت‌های شهری بوده، از نظر کالبدی در شکل و تولید فضاهای عمومی شهری اهمیت برجسته‌ای داشته است. از نظر کالبدی نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها آب انبارها، سقاخانه‌ها، روشنایی معابر و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری و تولید کلان‌ترین فضاهای شهری نظیر بازارها و مجموعه‌های وقفی مشاهده و پیگیری نمود. در ساختار فضایی شهرهای تاریخی و سنتی ایران مالکیت غالب بناهای با عملکرد عمومی که عموماً هم جزء میراث فرهنگی و تاریخی جامعه اسلامی به شمار می‌روند وقفی است. علل ماندگاری موقوفات در بستر زمان را باید در نقش فرهنگ متعالی وقف جستجو کرد با این توضیح؛ بررسی سیر تاریخی و تاسیسی مدارس و حوزه‌های علمیه موجود می‌تواند در جهت توسعه نیز روند ترمیم فضای آموزشی مورد موثر و کارآمد باشد.

وقف در آموزه‌های قرآن کریم

در قرآن آیه‌ای که بر وقف و احکام آن صریحاً دلالت کند، وجود ندارد. ولی دانشمندان مسلمان و مفسران قرآن کریم باندبردن آیاتی که در قرآن ذکر شده است، چنین دریافته‌اند که: به طور عموم هر آنچه که بر انجام کارهای نیکو و تشویق بدان دلالت داشته باشد، بر وقف نیز دلالت می‌کند. در نهایت مواردی از اعمال صالح، مانند صدقه، قرض الحسنه، تعاون، انفاق، محبت و کمک به هم‌نوعان و... ذکر شده و به نوعی با روح وقف سازگاری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف: آیاتی که انسان را به عمل صالح ترغیب و توصیه نموده بی شک وقف کردن نیز نوعی کار خیر و عملی خدا پسندانه است:

۱- «وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ» (آل عمران: ۵۷)؛ «و اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، (خداوند) مزدشان را به تمامی به آنها می‌دهد.»

این آیه وعده خوشی است به جزاء خیر، برای کسانی که از آن جناب پیروی کردند، اما از آنجایی که صرف صدق تحقق عرفی کلمه "شایسته" تابع و امثال آن "بر امتی که تشیع و اتباع واقعی از بعضی افراد آن امت تحقق یافته، باعث آن نمی‌شود که همه افراد آن امت حتی کسانی که تشیع و دنبال روی پیغمبر را نداشته‌اند، مستحق ثواب جزیل بگردند، بلکه تنها کسانی این استحقاق را دارند که واقعا تابع و شیعه باشند، نه همه کسانی که اسم شیعه و تابع بر آنان صادق است، لذا در آیه شریفه، عنوان "الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ" که خلاصه‌اش عنوان شیعه یا تابع یا کلماتی از این قبیل است، را برداشته، به جایش عنوان "الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ" را گذاشت تا معنا درست و بی‌اشکال شود، چون سعادت و عاقبت خیر، دائر مدار شناسنامه و اسم‌گذاری نیست بلکه دائر مدار حقیقت است، هم چنان که در جای دیگر فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَ

الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» پس از میان پیروان (اسمی و شناسنامه‌ای) عیسی ع تنها آنهایی که به خدا ایمان دارند و اعمال صالح می‌کنند، خدا اجرشان را بطور کامل می‌دهد و اما بقیه را، از این نمد کلاهی نیست. و در آیه مورد بحث این حقیقت را بطور اشاره بیان کرده و فرموده: "وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ"، خدا هیچ ستمگری را دوست نمی‌دارد، حال هر اسمی و عنوانی که می‌خواهد داشته باشد. امر خاتمه دادن آیه (با اینکه آیه رحمت و جنت است) با عبارت: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» که نوعی تهدید است از اینجا روشن می‌شود که معهود در آیات رحمت و نعمت، این است که به اسمایی نظیر رحمت و مغفرت و یا مدح آن اشخاصی که آیه در شانشان نازل شده ختم گردد. (۱۲)

پس در این آیه، «ایمان و عمل صالح» دو عامل مهم برای استحقاق پاداش دانسته شده است. ایمان، مقتضای اولیه و فطری انسانها است و باید با عمل صالح، ثبوت آن به نمایش گذاشته شود. صالحات در آیه‌ی مذکور می‌تواند بر هر عمل شایسته‌ای - از جمله وقف - دلالت کند.

۲. «الْمَالُ وَالنَّيْنُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً» (کهف: ۴۶)؛ «مال و فرزندان آرایش زندگانی جهان‌اند و لکن، اعمال صالح که تا قیامت باقی است، نزد پروردگار بسی بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.»

در حقیقت در این آیه انگشت روی دو قسمت از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی دنیا گذارده شده است که بقیه به آن وابسته است، "نیروی اقتصادی" و "نیروی انسانی" چرا که برای رسیدن به هر مقصودی از مقاصد مادی حتماً این دو نیرو لازم است، و به همین دلیل آنها که بر تخت قدرت می‌نشینند سعی در جمع‌آوری این دو نیرو می‌کنند، مخصوصاً در زمان‌های گذشته هر کس فرزندان بیشتری داشت خود را نیرومندتر احساس می‌کرد، چرا که آنها یکی از دو رکن اصلی قدرت او را تشکیل می‌دادند... و لذا روی "بنون" که جمع "ابن" به معنی پسر است تکیه شده، چرا که آنها پسران را سرمایه و نیروی فعال انسانی می‌دانستند، نه دختران. به هر حال همانگونه که پابرجاترین اموال که عبارت از باغ و زمین زراعتی و چشمه آب بود چگونه در چند لحظه نابود شد، در مورد فرزندان نیز گذشته از آنکه حیات و سلامتشان همیشه آسیب پذیر است گاهی به صورت دشمنانی درمی‌آیند که به جای کمک بودن مزاحم سرسختی خواهند شد! سپس اضافه می‌کند "باقیات صالحات یعنی ارزشهای پایدار و شایسته، نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امیدبخش‌تر است" (وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً). گر چه جمعی از مفسران خواسته‌اند مفهوم "باقیات صالحات" را در دائر خاصی مانند نمازهای پنجگانه، یا ذکر سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، و امثال آن محدود کنند ولی روشن است که مفهوم این تعبیر آن چنان وسیع و گسترده است که هر فکر و ابده و گفتار و کردار صالح و شایسته‌ای که طبعاً باقی می‌ماند و اثرات و برکاتش در اختیار افراد و جوامع قرار می‌گیرد شامل می‌شود. اگر می‌بینیم در بعضی از روایات به نماز شب، و یا مودت اهل بیت ع تفسیر شده بدون شک منظور بیان مصداق‌های

تشکیل "حکومت اسلامی" و پیاده کردن و اجرای تعلیمات اسلام، از طریق این حکومت صالح زد.

بدون شک یکی از ابتدایی و ضروری ترین مساله، به هنگام تشکیل حکومت تشکیل "بیت المال" است که به وسیله آن نیازهای اقتصادی حکومت بر آورده شود، نیازهایی که در هر حکومتی بدون استثنا وجود دارد.

به همین دلیل یکی از نخستین کارهایی که پیامبر ص در مدینه انجام داد تشکیل بیت المال بود که یکی از منابع آن را "زکات" تشکیل می داد، و طبق مشهور این حکم در سال دوم هجرت پیامبر ص تشریح شد. در این آیه موارد مصرف زکات را بیان می کند و منظور از صدقات در این جا همان زکات است که ثروتمندان جامعه باید بپردازند و این نوعی مالیات اسلامی است که با شرایط خاصی و در صورت رسیدن مال به حد نصاب معینی باید داده شود و تا انسان زکات مال خود را نداده مال او حلال و پاکیزه نیست و دادن زکات، مال را پاک می کند. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا»؛ «از اموال آنها صدقه (زکات) بگیر که بدان وسیله پاکشان سازی و برکت و فروزی بدهی.» (توبه: ۱۰۳)؛ «دادن زکات هم مال را پاک می کند و هم باعث افزایش آن می شود و مال انسان خیر و برکت پیدا می کند.»

در آیه مورد بحث مواردی را که زکات در آنها مصرف شود بر می شمارد و آن هشت مورد است:

۱- تهیدستان ۲- کسانی که در اثر مسکنت و نقص عضوی تهیدست شده اند مانند فالج و نابینا ۳- گروهی که متصدی جمع آوری زکوات از اطراف و اکناف هستند ۴- بیگانگان که بوسیله گرفتن سهمی از زکوة دلهای آنان به اسلام رغبت و تمایل کند و دین اسلام را بپذیرند و یا سبب شود که مسلمانان از فتنه آنان ایمن گردند.

۵- وَ فِي الرِّقَابِ از جمله مصارف زکوة سهمی است که به مصرف آزادی برده ای برسد که مولایش از او خواسته که مقداری وجه نقد و یا مال بیاورد و آزاد شود و هم چنین کسانی که در اثر قتل خطائی و یا شکار در حرم و یا سوگند بنام پروردگار کفار بهمه دارند و نمی توانند آنرا اداء کنند سهمی بآنها داده می شود که کفار خود را اداء نمایند.

۶- وَ الْغَارِمِينَ کسانی که مدیون و بدهکارند سهمی از زکات به دین آنان داده میشود بشرط اینکه دین آنان در راه نامشروع صرف نشده باشد.

۷- وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ از جمله مصرف زکوة امور خیریه که نفع آنها عمومی است، مانند هزینه دفاع از هجوم دشمنان بیگانه و یا تعمیر جاده ها و بنای مساجد و بیمارستانها و قناطر و هزینه افرادی که تحصیل علوم دینی آنها را از کسب باز داشته است.

۸- وَ ابْنِ السَّبِيلِ کسانی که در مسافرت جایز تهی دست شده گرچه در وطن خود بی نیاز باشند ولی دسترسی به مال خود نداشته می توان سهمی به آنان داد که به وطن خود باز گردند.

ج: آیاتی که مردم را به روح تعاون، احسان و برادری دعوت نموده است، مانند:

روشن است، نه منحصر ساختن مفهوم در این امور، به خصوص اینکه در پاره ای از این روایات "من" که دلالت بر تبعیض می کند بکار رفته است. مثلاً در روایتی از امام صادق ع می خوانیم که فرمود: "لا تستصغر مودتنا فانها من الباقيات الصالحات": دوستی ما را کوچک مشمر که از باقیات صالحات است." و در حدیث دیگری از پیامبر ص می خوانیم که فرمود: از گفتن تسیبجات اربع مضایقه نکنید که آنها از باقیات صالحات است." حتی اگر همان اموال ناپایدار و فرزندان که گاهی فتنه و مایه آزمایش هستند در مسیر الله قرار بگیرند آنها هم به رنگ باقیات صالحات درمی آیند، چرا که ذات پاک خداوند جاودانی است و هر چیزی برای او و در راه او قرار گیرد.

پس می توان اذعان نمود جلوه ی مال و فرزند تنها در دنیاست، در آخرت، ثروت و فرزند، سودی نمی بخشد. مال و فرزند، ماندگار نیست، به چیزی بیندیشیم و دل ببندیم که باقی است. آنان که امکانات مادی دارند مغرور نشوند. آنان هم که ندارند، مأیوس نباشند. همه ی نعمت های مادی، زینت دنیا هستند، ولی مال و فرزند جلوه ی بیشتری دارد و به همین دلیل نام این دو از میان نعمت های بی شمار الهی مطرح شده است. و چون غالباً پسران نیروی فعال اقتصادی هستند، نه دختران، لذا در کنار «مال»، «بنون» آمده است، نه «بنات».

ناگفته نماند در پیشگاه خداوند، هیچ عمل صالحی محو نمی شود و پاداشها تضمین شده است. ارزش کارهای نیک را همه نمی دانند. بیشتر مردم خیر و ارزش را در کامیابی های مادی می پندارند. «خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ» تنها به پاداش فکر نکنید، به آینده ی پایدار هم بیندیشید. «خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا»

در آیه ی مذکور، باقیات صالحات می تواند شامل: نماز، تهجد، ذکر خدا و صدقات جاری هم چون بنای مساجد، مدارس و دانشگاهها، مؤسسات و مراکز آموزشی و تربیتی و موقوفات و خیرات در راه خدا باشد. که بدین ترتیب باید گفت: وقف مصداق بارز باقیات صالحات است.

ب: آیه هایی که به تالیف قلوب و جلب محبت دیگران دلالت دارد و چون یکی از مصارف در آمدهای وقف در جهت تحکیم و تثبیت روح همبستگی و محبت بوده و در عین حال احسانی است عاری از منت، و اقدامی است که در بسیاری از موارد، استفاده کننده از منافع وقف، واقف را ملاقات نکرده و چه بسا او را نمی شناسد، ولی از نتیجه لطف او بهره مند می شود، در نهایت تاثیر این عمل خدا پسندانه به مراتب عمیق تر و ماندنی تر خواهد بود:

۱. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ»؛ «صدقات منحصرأ مخص است به: فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تالیف قلوب آنها نمود و آزادی اسیران و قرض داران و در راه تبلیغ و ترویج دین خدا و به راه ماندگان.» (توبه: ۶۰)

در تاریخ اسلام دو دوران مشخص دیده می شود، دوران مکه که همت پیامبر ص و مسلمانان در آن مصروف تعلیم و تربیت نفرات و آموزش و تبلیغ می شد، و دوران مدینه که پیامبر ص در آن دست به

۱. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ «بر نیکی و تقوی همکاری کنید و بر گناه و دشمنی همکاری نکنید.» (مائده: ۲)

۲. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ»؛ «یقیناً خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان دستور می دهد.» (نحل: ۹۰)

د: آیاتی که وقف را از طریق تقرب الهی معرفی می کند، مثل:

۱. «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ «هرگز به مقام بر و نیکی نخواهید رسید مگر این که از آنچه که دوست دارید، انفاق کنید.» (آل عمران: ۹۲)

بدون شک برای انفاق، راههای گوناگونی وجود دارد که وقف یکی از مهم ترین مصادیق آن می باشد. در ضمن نیل به مقام ابرار و مقربین نیازمند انفاق از چیزهایی است که محبوب انسان است و معمولاً دل کندن از آنها کاری بس دشوار به نظر می رسد به ویژه در وقف که موقوفه از ملکیت واقف خارج شده و به مالک حقیقی یعنی خداوند متعال واگذار می گردد.

۲. «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ...» (بقره: ۱۷۷)

«نیکیکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خداوند و روز باز پسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورد و مال خود را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و... بدهد»

در این آیه از سه عمل یاد شده است: یکی اینکه از مال و دارایی خود با وجود علاقه‌ای که به آن دارد بذل و بخشش کند و موارد بذل مال هم عبارتند از: خویشاوندان، یتیمان، بینوایان و فقرا، درماندگان در راه، گدایان و سائلان و نیز در راه آزاد کردن بردگان. دوم برپاداشتن نماز، همانگونه که بذل مال، میان انسان و جامعه رابطه نیکی ایجاد می کند اقامه نماز هم میان انسان و خدا ایجاد ارتباط می کند و اینهمه تأکید و تکرار در مورد نماز برای آن است که انسان نمازگزار به خدا نزدیک است و این حالت در تمام کارهای انسان اثر می گذارد. سوم پرداختن زکات، و آن حقوق واجبی است که در مال ثروتمندان قرار دارد و در قرآن هر کجا صحبت از نماز شده نوعاً از زکات هم یاد شده است.

قابل توجه است که زکات هم بذل مال است ولی این غیر از مورد اول است چون زکات شرایط خاصی دارد و در موردی که مال انسان به اندازه معین و حد نصاب برسد واجب می شود و نیز زکات در کالاهای معینی واجب شده و مصارف خاصی دارد ولی در مورد اول که صحبت از بذل مال است شرایط و حد نصاب وجود ندارد و شامل کلیه اموال می شود و آن نوعی صدقه است که در شرایط معمولی مستحب است و در حال ضرورت واجب است. بنابراین باید میان زکات و این نوع از بذل مال تفاوت گذاشت. (۱۳)

پیامبر اکرم ص می فرماید: «صدقتک علی المسکین صدقة و علی ذی رحمک صدقة و صلة»؛ «صدقه دادن تو به فقیر فقط صدقه است ولی

صدقه دادن تو به خویشاوندت هم صدقه و هم صله ارحام است.» (۱۴)

پس باتأمل در این آیات الهی می توان اذعان نمود وقف عملی صالح و ماندگار است، که مصداق روشنی از تعاون بوده و انفاقی ست بدون از منت، فضل و بخششی است بدون از تحقیر شخصیت دیگران، و تصدقی است دایمی و مستمر و بدون ریا، به صراحت می توان گفت وامی است بدون نگرانی، البته با تکاثر مال و دارایی. موجب رفع اختلافات طبقاتی می شود، و برگ زرینی است که برای ذخیره انسان در نهایت موجب ماندگاری نام واقف می شود و وی را به نوعی خلود و بقا می رساند.

وقف در سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلم در امر وقف الگوجمیع مسلمین محسوب می شود. موقوفات بسیاری داشتند. در روایات به آنها اشاره شده در این نوشتار جهت عدم اطاله کلام تنها به پاره ای از موقوفات اهلیت علیهم السلام اشاره می شود:

بخاری نقل می کند: نوشته یا نوشته هایی در دست امیرالمومنین علی (علیه السلام) بوده است که وقفهای رسول الله در این نوشته شده بود یا آن نوشته ها وقفنامه موقوفه های رسول خدا بوده است، و لیکن توضیح نداده است که این موقوفات همان هفت باغ مذکور بوده یا موقوفه های دیگر. به هر حال برای روشن شدن مطلب عین عبارت «بخاری» را ذکر می کنیم. ابن حنفیه گوید: اگر علی (علیه السلام) از عثمان (به بدی) یاد می کرد بدون شک روزی عثمان را به بدی یاد می کرد که عده ای از اعمال عثمان شکایت کردند، پس علی (علیه السلام) فرمود: برو پیش عثمان و به او بگو که آنها (نامه هایی که علی در دست داشت) صدقه پیامبر است؛ (یعنی در آن صدقات نوشته شده است). سپس کارمندان خود را دستور بده به آن عمل کنند؛ (یعنی مطابق این نوشته ها عمل شود) من نوشته ها را پیش عثمان بردم. عثمان (اعتنا نکرد و) گفت: آنها را از ما دور کن (که نیازی به آن نداریم) من آنها را پیش علی (علیه السلام) آوردم و جریان را گفتم. به من فرمود: از جایی که برداشتی به همان جا برگردان. (۱۵)

ظاهراً این نامه ها مربوط به آن هفت باغ نبوده است، زیرا آن باغها که صدقات رسول الله بوده، معروف بوده است، و احتیاج به دیدن و قفنامه نبوده، عثمان و دو خلیفه قبلی و سایر مسلمانان و کارمندان دولتی خلیفه نیز آنها را می شناختند. پس احتیاجی به فرستادن وقفنامه و موردی برای بی اعتنایی عثمان نبوده است. از این رو باید گفت: این موقوفه ها غیر از آن هفت باغ بوده است که عثمان اظهار بی اطلاعی کرده و پس از دیدن وقفنامه نیز توانست بی اعتنا باشد.

موقوفه های رسول خدا صلی الله علیه و آله سلم منحصر در این هفت باغ نبود، بلکه در کتب تاریخ زمین های دیگری را به نام صدقات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ذکر کرده اند که یکی بویره است. حموی در معجم البلدان می نویسد: «بویره از زمینهای بنی النضیر بوده است.» (۱۶)

امیرمومنان (علیه السلام) موقوفه های بسیاری داشتند که در تاریخ ثبت شده است و این موقوفات از اموال و دارایی شخصی آن حضرت

توانند بفروشند، خواه با هم چنین تصمیمی را بگیرند یا جداگانه. (۱۹)

باتوجه به آموزه‌های قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام، می‌توان دریافت وقف وموقوفات درزمینه های مختلف موجب خشنودی خداوند متعال می‌گردد. باعث برکت در مال دنیا و فزونی توشه آخرت می‌شود. بی شک با وقف، مشکل مالی نیازمندان برطرف می‌شود.

رونق وقف در پیشبرد اهداف تربیتی و دینی بدون تردید نقش وقف در عملکرد های نیک و احسان گونه در جهت ارائه خدمات اجتماعی به موسسه ها، سرپرستی ایام، ضعفا، فقرا و مراقبت و توجه بر اوضاع و احوال آنان انکارناپذیر است. علاوه بر این وقف در عرصه های تاسیس و مدیریت مساجد، مدارس، آموزشگاه های تربیتی_ فرهنگی، دانشگاه ها، کتابخانه ها، درمانگاه ها و حتی آرامگاه ها نیز شرکت می‌کند. حتی وقف کنندگان به آسایش مسافران نیز توجه داشته اند و استراحتگاه هایی به این منظور در برخی راههای اصلی می‌ساختند. به هر حال از آنجا که هیچ محدودیتی برای وقف کننده در نظر گرفته نمی‌شود، البته تا زمانی که وقف مستلزم گناه و معصیت نباشد، عرصه وقف همچنان رو به گسترش است.

در هر حال با وجود این که وقف در طول تاریخ توسط حکومت های مختلف، دوران پر از فراز و نشیبی را گذرانده، اما حکومت هایی هم بوده اند که در عصر آنها، وقف دوران طلایی رشد خود را طی کرده است، مانند دوران عباسیان که توجه شایانی در آن به عمل وقف صورت گرفت، به طوری که درآمد موقوفات سالانه بالغ بر صدها هزار دینار طلا می‌گردید و نظامیه های بغداد و نیشابور از این طریق اداره می‌شدند. در این عصر تشکیلاتی به نام دیوان اوقاف نیز برای رسیدگی به امور وقفی وجود داشت. وقف از قرن چهارم تا هفتم هجری نیز رونقی بسزا داشت، تا جایی که در قرن ششم به دلیل استقبال مردم، سنت حسنه موقوفات به منظور تاسیس مدارس، بیمارستان، کتابخانه و مصارف عامه گسترش فراوان یافت و ضرورت رعایت ضوابط شرعی ایجاب کرد تصدی امور موقوفات بر عهده دانشمندان و علمای دین واگذار شود.

در دوران صفویه نیز به دلیل تنوع فراوان موقوفات و انجام امور ثبت در دفاتر ویژه و مصرف عواید گوناگون آنها براساس مفاد وقف نامه ها، تشکیلاتی مانند وزارت اوقاف برای اولین بار در کشور تاسیس شد. در هر صورت، وقف یکی از عوامل تاثیرگذار در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. (۲۰)

به طور کلی وقف در جامعه اسلامی از جنبه‌های گوناگون فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، هنری و مذهبی اهمیت بسیار والایی دارد. موقوفات در جامعه اسلامی به بدان دلیل مهم تلقی می‌شود که موقوفات اسلامی مانند: مساجد، حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و مدارس دینی با نمای زیبایشان، مظهر پاسداشت شعائر الهی‌اند؛ شاعیری که ما در قرآن کریم و سنت نبوی به بزرگداشت آنها سفارش و تشویق شده‌ایم: «هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت، این امر از پاک‌ی دل‌هاست». (حج: ۳۲)

بوده که محدثان و مورخان نقل کرده‌اند. برخی از موقوفه هایی امام علی علیه السلام بدین قرار است:

«سویقه» که جایی است در نزدیکی مدینه و آل علی (علیه السلام) آن جا سکونت می‌کردند، از جمله صدقات امیرالمومنین (علیه السلام) بود. (۱۶)

از ابو جعفر نقل شده است که عمر و علی یک قطعه زمین خود را وقف کردند. آن حضرت زمین و خانه خود را در مصر با اموالی که در مدینه داشت وقف اولاد نمود. فقیر و وادی ترعه نیز از موقوفات حضرت علی (علیه السلام) است. فقیر اسم دو مکانی است که در نزدیکی مدینه که آنها را فقیران می‌نامند و از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) برای علی (علیه السلام) چهار قطعه زمین اقطاع نمود: «فقیرین»، «بئرقیس» و «الشجره»....

امام صادق (ع) نیز موقوفه هایی داشته است که از وقفنامه امام هفتم (علیه السلام) این مطلب به خوبی استفاده می‌شود. مرحوم کلینی در اصول کافی می‌نویسد یزید بن سلیط می‌گوید: امام هفتم موسی بن جعفر (علیه السلام) وصیت فرمود و ده نفر را گواه گرفت... تا آن جا که می‌نویسد... امام وصیت کرد تولیت ثلث موقوفه پدرم (امام صادق (علیه السلام) و ثلث خودم نیز با او (فرزند امام هفتم (علیه السلام) است). از این که حضرت فرمود: تولیت ثلث موقوفه پدرم، معلوم می‌شود که امام صادق (علیه السلام) هم موقوفه هایی داشته است. (۱۷)

از علی بن مهزیار نقل شده است که به امام جواد (ع) نوشتم: فلانی زمینی خریده و آن را وقف کرده است و خمس شما را نیز در وقف قرار داده است. اکنون از شما سؤالی می‌کند که آیا سهم شما را از آن زمین بفروشد و یا اینکه با مبلغی که خریده، برای خودش قیمت گذاری کند و یا اینکه سهم شما نیز جزء موقوفه بماند؟

امام جواد (ع) در پاسخ نوشته‌اند: (اعلم فلانا، انی آمره ان یتبع حقنی من الضعیفه و ایصال ثمن ذلک الی، و ان ذلک رأیی ان شاء الله، او یقوم ها علی نفسه ان کان ذلک اوفق له): (به فلانی بگو که من دستور می‌دهم حق مرا از زمین بفروشد و بهای آن را به من برساند. ان شاء الله این نظر من است و یا اینکه اگر برای او مناسب تر است، به همان قیمت که خریده برای خودش بخرد) بنابراین، می‌توان روایت ابن مهزیار را نیز دلیل جواز فروش وقف در صورت اصلاح بودن دانست (۱۸).

روایتی است از حمیدی نقل شده که گفته: در نامه‌ای به امام زمان (ع) نوشتم: از امام صادق (ع) نقل شده، اگر واقف بر قومی به خودشان و فرزندان آنها (وقف بر اولاد) و همه موقوف علیهم بر فروش اتفاق نظر داشته باشند و به نفع آنها باشد می‌توانند وقف را بفروشند. حال اگر بعضی از آنها تصمیم بر فروش سهم خود داشته باشند، آیا جایز است و یا اینکه باید همه آنها بر فروش موافق باشند؟ آیا در چه فرضهایی فروش وقف جایز نیست؟ حضرت پاسخ دادند: «اذا کان الوقف علی امام المسلمین فلا یجوز بیعها و اذا کان علی قوم من المسلمین فلیع کل قوم ما یقدرون علی بیعه مجتمعین و متفرقین» (اگر وقف بر امام مسلمین باشد، فروش آن جایز نیست و اگر وقف بر گروهی از مسلمین باشد هر قومی که توانایی بر فروش را دارند، می

پس مدیریت صحیح و سالم در وقف و گسترش این فرهنگ اسلامی و دینی در جهت تشویق و ترغیب افراد به وقف اموالشان بسیار مؤثر است. برآستی که اگر مدیریت به روز و کارآمد باشد، می تواند در حوزه وقف تأثیرگذار باشد. و موجب شکوفایی و پیشبرد اهداف اسلامی در جامعه گردد. لازم به ذکر است مدیریت حوزه موقوفات برعهده سازمان اوقاف و امور خیریه است که هدایت آن را برعهده دارد. ناگفته نماند احیای موقوفات، مدیریت صحیح و کلانی را می طلبد که آن هم با همکاری دستگاه های مختلف در جامعه اجرایی می شود.

با بررسی میدانی از سازمان اوقاف و ادارات اوقاف سراسر کشور آمار موقوفات در جهت عمران حوزه های علمیه چنین بدست می آید که موقوفات در طول تاریخ اسلام موجب رونق چشمگیری در حوزه های علمیه و پیشبرد اهداف علمی، تربیتی، دینی و... این مراکز دینی داشته اند.

References

The Holy Quran, the divine translation of Ghomshei.

1. Amid, Hassan, Farhang Amid, Tehran, Amirkabir Publishing Institute, sixth edition, 1996.
2. Hosseini Hamedani Seyed Mohammad, Anwar Derakhshan, Tehran, Lotfi Bookstore, 1404 AH.
3. Obaid Kabisi, Mohammad, Rules of Waqf in Islamic Law: Jurisprudence - Legal - Judiciary, Tehran, General Directorate of Hajj and Endowments and Charity, 1985.
4. Ibn Manzoor Al-Ansari Al-Rawifi Al-Afriqi, Muhammad Ibn Makram Ibn Ali, Language of the Arabs, Beirut, Dar Sader Al-Taba'a: Third, 1414 AH.
5. Mufid Muhammad ibn Muhammad Nu'man, Al-Muqna'a, Islamic Publishing Foundation, Editor and Writer: Ahmad ibn Muhammad Sa'ib al-Khansari, Publication Status:
6. Ansari, Morteza, Faraidul Asul, Qom, Ismailian, 1375, vol.
7. Tusi, Mohammad, Al-Khalaf, Tehran, Publishing House of Islamic Library, fifth edition, 139 AH.
8. Halli, Ja'far ibn al-Hasan, Al-Mukhtasar al-Nafi ', publication of the series Al-Yanabi' al-Fiqhiyyah, vol.

لذا موقوفات عمومی به تقویت مظاهر اسلامی مانند: مساجد، مدارس و موسسات آموزشی فرهنگی و مراکز علوم دینی می انجامد و زمینه ساز رونق یافتن مراسمات دینی همچون: جشن و سرورهادارعیاد، عزاداری ها و سوگواری ها در ایام شهادت امامان معصوم علیهم السلام را هموار می کند. همچنین موقوفات نوعی برجستگی دینی و مذهبی به شهرها می بخشند.

بی شک یکی از موقوفاتی که بیشترین تأثیرات تربیتی و دینی را در جامعه ایفا می نماید حوزه های علمیه می باشند. مبرهن است که تقویت و توسعه حوزه های علمیه یکی از نیازهای روز جامعه اسلامی محسوب می شود، زیرا از گذشته های دور تاکنون حوزه های علمیه متکی به دولت ها نبوده و همواره از سوی مردم و بانیان امور خیریه تأمین می شدند. لذا در جامعه کنونی با توجه به ضرورت تقویت و توسعه مراکز حوزوی در کشور، می بایست توجه و حمایت های مردم از حوزه های علمیه بیشتر شود. زیرا وقف بهترین ظرفیت برای رفع بسیاری از مشکلات حوزه های علمیه است که نباید از آنها غافل شد.

ناگفته نماند در نتیجه تحقیقات میدانی و آماری که در سراسر کشور صورت گرفته آمار موقوفات به جهت رونق حوزه های علمیه با واقف مشخص، نیت مشخص، قید زمان و مکان و موقوفه مشخص، و موقوف الیه مشخص (مصرف کننده) احصا گردیده که این آمار برای اولین بار است به صورت منسجم دقیق و با احصاء واقفین و نیت متعدد و موقوف الیه متعدد و در استانها شهرستانها بخش ها و نقاط مختلف کشور به صورت دقیق منسجم میدانی و واقعی به دست آمده است. (۲۰)

مؤید این مطلب است که موقوفات مذکور در رونق حوزه های علمیه نقش اساسی و بسزایی داشته اند و قسمت عظیمی از رونق حوزه های علمیه مدیون واقفین خیر اندیش با نیت جهت مصارف حوزه های علمیه بوده است. بی شک طلاب و دانشمندان حوزوی با استفاده از موقوفات حوزه های علمیه توانسته اند به درجات عالی دسترسی پیدا نموده و موجب تربیت و تزکیه افراد بسیاری هم از لحاظ تربیتی، دینی و هم علمی شده اند. که قطعاً واقفین خیر اندیش در ثواب و نشر احکام اسلامی و دینی که توسط طلاب عزیز منتشر می شود سهم می باشند.

نتیجه گیری

باتوجه به مطالبی که از نظر گذشت می توان اذعان نمود وقف در جامعه اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در کلام خدا به اتفاق و اعمال صالح توصیه می شود چنانچه در سیره پیشوایان معصوم علیه السلام این امر به وفور یافت می شود.

بی شک فرهنگ سازی در مسائل و امور وقف از مهمترین موضوعاتی است که در مرحله اول دولت و سپس ملت باید به آن اهتمام نمایند تا به شکلی صحیح در جامعه نهادینه گردد. از این رو آثار و مزایای آن از جهات گوناگون تبیین گردد. مسلماً در وقف باید مدیریت کلانی عرضه شود تا جامعه از بهره های اقتصادی آن بهره مند شود و بتواند به نحو مطلوب از این دارایی ارزشمند در جهت ارتقاء سطوح مختلف جامعه به خصوص مباحث علمی و تربیتی استفاده نماید.

9. Halli, Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar, Tazkereh al-Fiqh, Qom, Al-Bayt (AS), 1394.
10. Salimifar, Mostafa, A look at the endowment and its socio-economic effects, Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing Institute, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, first edition, 137.
11. Omar Ibn Shabba, History of the City of Ibn Shabbah, Fahim Muhammad Shaltout, Jeddah, 1399 AH ..
12. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, translation of Tafsir al-Mizan, Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, Edition: Fifth, 1995.
13. Jafari Yaqub, Kawthar, Qom: Hijrat, Bita.
14. Qomi Mashhadi, Mohammad Reza, Tafsir Kanz al-Daqaiq wa Bahr al-Gharaib, Qom: Dar al-Ghadir, 1423 AH.
15. Bukhari, Muhammad, Sahih Bukhari, Beirut, Darahiyah Al-Tarath Al-Arabi, B. Ta.
16. Hamavi, Yaghoot Ibn Abdullah, Al-Baladan Dictionary, Alinaghi Manzavi Tehran, Cultural Heritage Organization, Publications and Cultural Production, 2001.
17. Klini Razi, Mohammad, Usul Kafi, Tehran, Heidari Press, Dar al-Kitab al-Islamiyya, second edition, 1983.
18. Halli, Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar, Various Shiites, Qom: Islamic Propaganda Office, 1997, vol.
19. Free agent, Mohammad Hassan, Shiite tools, Tehran, Islamic Publishing, Bita.
20. Mohammadi, Sabah, A Study of the Jurisprudential and Legal Principles of Waqf and Its Role in the Prosperity of the Seminary